



The General Policies of Resistance Economics in Imam Ali's (A.S) Teachings*

Baqir Riahi Mehr^۱

Abstract

Resistance economy is a form of Islamic economic system whose idea was presented by the Supreme Leader to solve Iran's economic problems. The roots of the resistance economy in Islamic economics, on the one hand, and the opportunity for the ruling of Amir al-Mu'minin Ali (A.S), on the other hand, require special attention to the words and manners of that Imam with an economic approach. The present article examines the general policies of the resistance economy to achieve economic independence, using the content analysis method, which is compatible with the Supreme Leader's guidelines in the conduct and speeches of Imam Ali (A.S). Findings of this study indicate that: ۱. Improving the business environment, jihadi spirit and culture, knowledge-based economy, consumption patterns and combating economic corruption are general policies to achieve economic independence; ۲. The laws which he instituted for the markets of that time during his reigns - such as the law of universality, the law of competing and the law of specialization of goods - can be modeled in the present age; ۳. According to the author, the main components of consumption (including the level of consumption, the composition of consumer goods and how to consume) are formed in the context of society's culture, and their fundamental change is not possible without changing culture. In Amir al-Mu'minin's (A.S) remarks about the consumption pattern, two points are evident in the fight against extravagance and luxury, which are also emphasized by the general policies of the resistance economy. Regarding the fight against economic corruption, Hazrat Amir (A.S) in the field of prevention and fight, have provided solutions such as: appointment of committed officials, decisive action against the perpetrators of corruption, etc.

Keywords: Resistance Economy, Corruption, Consumption Pattern, Elements of Resistance Economy, Imam Ali's (A.S) Governmental Method.

*. Date of receiving: ۲۸, ۰۴, ۲۰۲۱ -Date of approval: ۲۲, ۱۲, ۲۰۲۱.

۱. Assistant Professor, Department of Comparative Quranic Studies, Al-Mustafa International University, Qom (dr.riahi@chmail.ir)



سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های علوی علیه السلام*

باقر ریاحی مهر^۱

چکیده

اقتصاد مقاومتی شکلی از نظام اقتصادی اسلام است که ایده آن برای رفع مشکلات اقتصادی ایران توسط مقام معظم رهبری ارائه گردید. ریشه‌دار بودن اقتصاد مقاومتی در اقتصاد اسلامی از یک سو و فرصت حکومت‌داری امیرمؤمنان علی علیه السلام از سوی دیگر، توجه ویژه به سخنان و سیره آن حضرت با رویکرد اقتصادی را ایجاب می‌نماید. مقاله حاضر با بهره جستن از روش تحلیل محتوای بخشی، قابل تطبیق با رهنمودهای مقام معظم رهبری در سیره و سخنان امام علی علیه السلام، پیرامون سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در جهت تحقق استقلال اقتصادی را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که: ۱. بهبود فضای کسب و کار، روحیه و فرهنگ جهادی، اقتصاد دانش بنیان، الگوی مصرف و مبارزه با فساد اقتصادی از سیاست‌های کلی در جهت تحقق استقلال اقتصادی هستند؛ ۲. از قوانینی که آن حضرت در مدت حکومت خود برای بازارهای آن زمان وضع نمود؛ مانند قانون همگانی بودن، قانون سبقت و قانون تخصیصی شدن کالاها می‌توان در عصر کنونی الگو گرفت؛ ۳. به نظر نگارنده، مؤلفه‌های اصلی مصرف (شامل سطح مصرف، ترکیب کالاهای مصرفی و چگونگی مصرف) در بستر فرهنگ جامعه شکل می‌گیرد و تغییر اساسی آن‌ها نیز بدون تغییر فرهنگ ممکن نیست. در سخنان امیرمؤمنان در مورد الگوی مصرف، دو نکته مبارزه با اسراف و تجمل‌گرایی نمایان است که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز بر این دو تاکید دارد. در مورد مقابله با فساد اقتصادی حضرت امیر علیه السلام در زمینه پیش‌گیری و مبارزه، راهکارهایی از جمله: انتصاب مسؤولان متعهد، برخورد قاطع با زمینه‌سازان فساد و... را ارائه نموده‌اند.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، فساد، الگوی مصرف، عناصر اقتصاد مقاومتی، روش حکومتی

امام علی علیه السلام.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۸ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱.

۱ - دانش‌آموخته دکتری رشته قرآن و مستشرقان، جامعه المصطفی العالمیه، قم: (Dr.riahi@chmail.ir).



مقدمه

لازمه بقاء حیات یک نظام، داشتن نظام اقتصادی سالم و پویاست و دین مبین اسلام نیز نه تنها نسبت به آن بی اعتنا نیست؛ بلکه نسبت به حل مشکلات اقتصادی برنامه و اهتمام ویژه‌ای دارد. حکومت ایران با توجه به چالش‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره با مشکلات و تهدیدهای داخلی و خارجی مواجه بوده است. مقام معظم رهبری با دوراندیشی کامل این تهدیدها را رصد نموده و راهکارهای ویژه‌ای ارائه کرده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها مدلی از نظام اقتصاد اسلام است که از آن به «اقتصاد مقاومتی» تعبیر شده است.

اقتصاد مقاومتی شکل خاصی از نظام اقتصادی اسلام است که در وضعیت حمله همه جانبه اقتصادی دشمن که کیان نظام اسلامی را به خطر می‌اندازد، پدید می‌آید. در نظام اقتصادی اسلام در این وضعیت با تغییر در اولویت هدف‌ها و به تبع آن در اصول راهبردی و سیاست‌ها راهبردی کلان طراحی می‌شود که تهدید را تبدیل به فرصت کرده و باعث جهش اقتصادی می‌شود. (میرمعزی، ۱۳۹۱: ۵۳)

این پژوهش برآنست که بخشی از مسائل اقتصاد مقاومتی را در عرصه ایجاد استقلال بر سخنان و سیره امام علی علیه السلام تطبیق داده و راهکارهایی را از سیره حکومتی آن امام استخراج نماید. ذکر این نکته بایسته است که دریافت معارف معصومان از جمله آن امام همام منوط به این رویکرد است که سخنان و سیره آن بزرگوران را به زمان ایشان و موارد خاص منحصر ندانست و آنها را بسان قضایای حقیقیه دانست که همیشه می‌تواند راهنمای سعادت دنیوی و اخروی بشریت باشد. در این پژوهش نیز سعی گردیده این رویکرد در سخنان و سیره امیرمؤمنان علیه السلام دنبال شود و از آن در مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی استفاده گردد.

همان گونه که بیان شد، اقتصاد مقاومتی از نظام اقتصادی اسلام گرفته شده و تبیین و بررسی راهکارهای این اقتصاد در اسلام به‌ویژه در سخنان و سیره امیرمؤمنان علی علیه السلام که چند سالی مجال حکومت‌داری یافتند حائز اهمیت است.

در این پژوهش برآنیم تا با تبیین برخی سرفصل‌های مهم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بیانات مقام معظم رهبری و سخنان و سیره امیرمؤمنان در این زمینه، اهمیت و ضرورت اجرای اقتصاد مقاومتی را به‌طور تفصیلی یافته و راهکارهایی را در جهت بهبود آن در جهت دستیابی به استقلال اقتصادی ارائه نماییم. بنابراین، مسئله این پژوهش این است که دیدگاه و سیره امیرمؤمنان علیه السلام در مورد



مسائل مربوط به اقتصاد مقاومتی با توجه به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در جهت دستیابی به استقلال اقتصادی که مد نظر رهبر معظم انقلاب است، چیست؟ و امیرالمؤمنین علیه السلام برای اجرای این سیاست‌ها چه راهکارهایی را توصیه یا اجرا نموده‌اند؟

روش پژوهش، توصیفی از نوع تحلیل محتوی بخشی و واحد تحلیل مضمون است. تحلیل محتوی بخشی توسط سن تانینت و لیسمان (۱۹۹۹) به‌عنوان یکی از روش‌های اصلی تحلیل محتوی مطرح شد. (مهرداد و همکاران، تحلیل محتوی کیفی، ۱۳۹۵: ۲۳) در این روش ابتدا بر اساس مبانی نظری موجود یک عبارت و عنوان کلی انتخاب می‌شود و سپس آن عنوان به قطعات و بخش‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شود و پس از آن با تحلیل پیام‌های آشکار و پنهان متن و زمینه مورد نظر مصادیق بخش‌های کوچک‌تر تعیین می‌شود. جامعه آماری عبارت است از کتاب ارزشمند نهج البلاغه (کلمات قصار، نامه‌ها و حکمت‌ها و خطبه‌ها) و کتاب‌ها، مقالات و پایگاه‌های اطلاعاتی که بیانات مقام معظم رهبری را در دسترس محققان قرار داده‌اند. شیوه جمع‌آوری اطلاعات سندکاوی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات فیش‌های تحقیقاتی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در این روش ابتدا اطلاعات از منابع مختلف جمع‌آوری، سپس سازماندهی و طبقه‌بندی می‌شوند و در نهایت بر اساس مستندات و بینش به‌دست آمده مورد تفسیر قرار می‌گیرند.

تاکنون، کتاب‌ها و مقالاتی در مورد سیاست‌های اقتصادی علی علیه السلام نوشته شده که از آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- مقاله «آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی علیه السلام در نهج البلاغه» نوشته محمد مولایی اشاره نمود که نویسنده با استخراج شش اصل از سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام همچون رعایت عدالت، سیاست‌های مالی، رعایت قناعت و ساده‌زیستی مطالب مفیدی را در جهت داشتن یک اقتصاد سالم ارائه نموده است.

- مقاله با عنوان «راهبرد پیشرفت اقتصادی با الهام از نهج البلاغه در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی» اثر ابوالفضل شاه‌آبادی» با هدف دستیابی به اقتصاد مقاوم در برابر فشار و تحریم و خصومت‌های شدید و... است تا با الگوگیری از شیوه حکومتی امیرالمؤمنین علیه السلام زمینه مناسب را برای اعمال راهبردی آن فراهم کند.

- مقاله با عنوان «بررسی نسبت اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی» اثر محمدجواد توکلی، که



رابطه بین اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی بررسی می‌شود و نسبت‌سنجی بین آنها است.
- مقاله «امام علی علیه السلام، دولت و سیاست‌های اقتصادی»، نوشته آقای محمد تقی گیلک حکیم آبادی است که ضمن مطالب کلی‌تری در مورد دولت و وظایف آن در قبال مردم، موارد مربوط به اقتصاد همچون مبارزه با فساد و مسئله مالیات را از نگاه علی علیه السلام مورد بررسی قرار داده است. دیگر مقالات و کتبی که نگاشته شده، ارتباط دورتری با مقاله حاضر دارند، همچون کتاب‌هایی که در زمینه مبانی اقتصاد اسلامی به زیور طبع آراسته شده است.

- پایان‌نامه با عنوان «الگوی اقتصاد مقاومتی در نهج البلاغه»، نوشته: نرجس مهدوی با استاد راهنما: محمد واعظ، در مؤسسه آموزش عالی غیردولتی اصفهان به تحریر درآمده است.
با توجه به این‌که پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته تمرکز و تطبیق بر اقتصاد مقاومتی و سخنان مقام معظم رهبری نداشته‌اند و همچنین مطالب کلی‌تری در مورد اقتصاد، از علی علیه السلام تبیین نموده‌اند، به نظر می‌رسد این پژوهش بتواند خلأهای گذشته را تا حدودی جبران نماید.

تعریف اقتصاد مقاومتی

هر چند مسئله اقتصاد از سال‌ها قبل مد نظر مقام معظم رهبری بوده و همواره مطالبی را برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور ارائه نموده‌اند اما اولین بار در سال ۱۳۸۹ واژه اقتصاد مقاومتی را مطرح کرده و در بهمن ماه ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی آن را ابلاغ فرمودند. این سیاست‌ها دارای ۲۴ بند است که از محورهای مهم آن می‌توان موارد ذیل را نام برد:

- فرهنگ جهادی در زمینه اقتصاد
- حمایت از تولید ملی
- حمایت از بخش خصوصی
- حمایت از صادرات
- توجه به اقتصاد دانش بنیان
- توجه به الگوی مصرف صحیح
- مبارزه با فساد اقتصادی

مقام معظم رهبری اقتصاد مقاومتی را این‌گونه تعریف می‌نماید: اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین



کننده‌ی رشد و شکوفایی کشور باشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۱/۵/۱۶).
سیاست‌های اقتصاد باید سیاست‌های «اقتصاد مقاومتی» باشد - یک اقتصاد مقاوم - باید اقتصادی
باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه
دنیا، آن گوشه دنیا متلاطم نشود (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگران و فعالان بخش تولید،
۱۳۹۲/۲/۷).

با توجه به تعاریف فوق، دو نکته در اقتصاد مقاومتی حائز اهمیت است: ۱. اقتصادی است که در
برابر تهدیدها و ترفندهای دشمن مقاوم است و کمتر آسیب می‌بیند؛ ۲. تهدید را تبدیل به فرصت کرده
و در وضعیت تهدید رشد می‌کند (میرمعزی، ۱۳۹۱: ۵۲).

مهم‌ترین عناصر اقتصاد مقاومتی

تلاش فراوان، کار برای خدا، اقتصاد دانش بنیان، الگوی مصرف، مبارزه با فساد اقتصادی و
پیش‌گیری از فساد، از جمله مهم‌ترین عناصر اقتصاد مقاومتی است که در این بخش از مقاله بدان
پرداخته می‌شود.

۱. تلاش فراوان

حداکثری بودن تلاش:

امیر مؤمنان در مورد این عنصر مهم این‌گونه می‌فرماید: همانا خدای سبحان از ما و شما خواسته
است که در شکرگزاری کوشا بوده، و با تمام قدرت او را یاری کنیم، «و نیرویی جز از جانب خدا
نیست» (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۵۶۵). و زمامدار در انجام آن چه خدا بر او واجب کرده است
نمی‌تواند موفق باشد جز آن که تلاش فراوان نماید، و از خدا یاری بطلبد، و خود را برای انجام حق
آماده سازد، و در همه کارها، آسان باشد یا دشوار شکیبایی ورزد (همان: ۵۷۵). حق جز با تلاش و
کوشش به دست نمی‌آید، شما که از خانه خود دفاع نمی‌کنید چگونه از خانه دیگران دفاع می‌نمایید؟
(همان: ۸۱).

تلاش به هنگام:

به هنگام بودن هم شامل عجله نکردن و هم شامل سستی نکردن در وقت عمل می‌شود: «تلاش کن
تا هر کاری را در جای خود، و در زمان مخصوص به خود، انجام دهی» (همان: ۵۹۱). «علم خود را



نادانی، و یقین خود را شک و تردید مپندارید، پس هر گاه دانستید عمل کنید، و چون به یقین رسیدید اقدام کنید» (همان: ۶۹۷).

«علم و عمل پیوندی نزدیک دارند و کسی که دانست باید به آن عمل کند، چرا که علم، عمل را فراخواند، اگر پاسخش داد می ماند وگرنه کوچ می کند» (همان: ۷۱۷).

سستی نوزیدن:

دو پیامد نامطلوب سستی را می توان از فرمایشات امام علی علیه السلام به دست آورد:

الف: ابتلای به «هم»؛ ایشان می فرماید: «هر کس در کارکردن کوتاهی نماید به «هم» مبتلی می گردد» (همان: ۶۵۵). هر چند برخی مترجمین «هم» را به معنای اهتمام ورزیدن، قصد و تصمیم انجام کاری و همچنین معنای حزن و اندوه دانسته اند (فراهیدی، کتاب العین، ۱۴۰۹: ۳/۳۵۷؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴: ۳/۳۲۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۴۵)، اما به نظر می رسد معنای حزن را در این واژه به معنای اولی آن برگردد و در مجموع می توان اهتمام، دغدغه و مشغولیت نسبت به کار که بسیاری از اوقات موجب ناخوشی و ناراحتی است را در ترجمه متن مذکور لحاظ نمود، چنان که برخی واژه شناسان نیز در معنای «هم» اشاره نموده اند (ازدی، ۱۳۸۷: ۳/۱۳۰۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۸۶/۱۱). بنابراین، کسانی که به اندازه کافی تلاش نمی نمایند شاید در ذهن خود، رسیدن به آسایش و راحتی را بپروانند اما دریغا که خداوند ایشان را به کاری دیگر مبتلا می سازد و مجبور می گردند همشان را در جایی دیگر مصروف دارند.

ب: امیدواری دشمنان: از دیدگاه امیر مؤمنان علیه السلام، رفتار سست مسلمانان سبب امیدواری دشمنان می گردد:

بدن های شما در کنار هم، اما افکار و خواسته های شما پراکنده است، سخنان ادعایی شما، سنگ های سخت را می شکنند، ولی رفتار سست شما دشمنان را امیدوار می سازد، در خانه های شما نشستید، ادعاهای و شعارهای تند سر می دهید، اما در روز نبرد، می گوید ای جنگ، از ما دور شو، و فرار می کنید (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۷۹).

امید رسیدن به هدف:

همواره افرادی که در تلاش جدی بوده اند به موفقیت دست یافته اند اگر چه به تمام اهداف آنها نرسیده باشند، چنان که آن امام همام در یکی از حکمت های آموزنده خود بیان می دارد: «جوینده



چیزی یا به آن یا به برخی از آن، خواهد رسید» (همان: ۷۲۳).

۲. کار برای خدا

ضرورت جهت دادن به فعالیت‌ها:

همان گونه که گفته شد، در تمام فعالیت‌ها حتی فعالیت‌های اقتصادی نیز می‌توان کار را برای خدا انجام داد، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

بر شما باد به تلاش و کوشش، آمادگی و آماده شدن، و جمع آوری زاد و توشه آخرت و در دوران زندگی دنیا. دنیا شما را مغرور نسازد، چنان‌که گذشتگان شما و امت‌های پیشین را در گذشته مغرور ساخت. آنان که دنیا را دوشیدند، به غفلت زدگی در دنیا گرفتار آمدند، فرصت‌ها را از دست دادند... (همان: ۴۶۷).

هرچند ممکن است در بدو نظر، سخن فوق تنها جنبه اخلاق فردی داشته باشد اما با دقت در آن، می‌تواند بر فعالیت‌های اقتصادی نیز منطبق گردد؛ چه این‌که مسئولان و فعالان اقتصادی اگر نگاه توحیدی در کارها نداشته باشند گرفتار غفلت و فریب گشته و فرصت جمع آوری توشه برای جهان دیگر را از دست می‌دهند، هر چند که تلاش‌های فراوانی در زمینه‌های اقتصادی انجام داده باشند.

سعه صدر:

خستگی یک مدیر جهادی (که باید آن را تحمل نماید) ممکن است ناشی از تندخویی‌های مردم باشد؛ مردمی که از نابسامانی‌ها خشمگین می‌گردند و فریاد خویش را بر سر مسئولان فرود می‌آورند. از منظر الگوی صبر و استقامت یعنی امیر مؤمنان علیه السلام، مسئولان باید سعه صدر داشته باشند:

پس درستی و سخنان ناهموار آنان را بر خود هموار کن، و تنگ‌خویی و خودبزرگ‌بینی را از خود دور ساز تا خدا درهای رحمت خود را به روی تو بگشاید، و تو را پاداش اطاعت ببخشد، آنچه به مردم می‌بخشی بر تو گوارا باشد، و اگر چیزی را از کسی باز می‌داری با مهربانی و پوزش خواهی همراه باشد (همان: ۵۸۵).

پرهیز از تکبر و خودپسندی:

طبیعت فعالیت‌های مادی و مدیریتی از یک‌سو و خواهش‌های نفسانی از سوی دیگر، انسان را به طرف خودپسندی سوق می‌دهد؛ لذا امام علی علیه السلام نسبت به مسئله تکبر و خودپسندی، به مسئولان و



کارگزاران هشدار می‌دهد: «مبادا هرگز دچار خودپسندی گردی! و به خوبی‌های خود اطمینان کنی، و ستایش را دوست داشته باشی، که این‌ها همه از بهترین فرصت‌های شیطان برای هجوم آوردن به توست، و کردار نیک نیکوکاران را نابود سازد» (همان: ۵۸۹).

حضرت برای از بین بردن تکبر، به یادآوری حکومت خداوند، قیامت، سنت‌های خدا با گذشتگان، آثار رسول خدا و ... توصیه می‌نماید:

اگر با مقام و قدرتی که داری، دچار تکبر یا خودبزرگ‌بینی شدی به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از توست بنگر، که تو را از آن سرکشی نجات می‌دهد، و تندروی تو را فرو می‌نشاند، و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصلی باز می‌گرداند. باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دستت، تندی زبانت را در اختیار خود گیر و تو بر نفس مسلط نخواهی شد مگر با یاد فراوان قیامت، و بازگشت به سوی خدا. آنچه بر تو لازم است آن که حکومت‌های دادگستر پیشین، سنت‌های با ارزش گذشتگان، روش‌های پسندیده رفتگان، و آثار پیامبر ﷺ و واجباتی که در کتاب خداست، را همواره به یادآوری، و به آنچه ما عمل کرده‌ایم پیروی کنی (همان: ۵۹۱).

پرهیز از منت‌گذاری، بزرگ شمردن کار و خلف وعده:

مبادا هرگز با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منت‌گذاری، یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری، یا مردم را وعده‌ای داده، سپس خلف وعده نمایی! منت نهادن، پاداش نیکوکاری را از بین می‌برد، و کاری را بزرگ شمردن، نور حق را خاموش گرداند، و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را بر می‌انگیزاند که خدای بزرگ فرمود: «دشمنی بزرگ نزد خدا آن که بگویند و عمل نکنند» (همان).

۳. اقتصاد دانش بنیان

واژه اقتصاد بنیان اولین بار توسط سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۱ ابداع و به‌عنوان اقتصادهایی که بر اساس تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات قرار دارند؛ تعریف شد (صادقی و آذربایجانی، نقش و جایگاه اقتصاد دانش محور در تقاضای نیروی کار، ۱۳۸۵: ۲۱). اقتصاد دانش بنیان برخاسته از ساختار نوظهور اقتصادی است که در نتیجه تحول و انقلاب بزرگی که مبتنی بر دانش و نوآوری

۱. Organization for Economic Co-operation and Development



می‌باشد، شکل گرفته است (نیل فروشان، ۱۳۸۴: ۳۲) با ورود به عرصه اقتصاد، به‌عنوان عامل اصلی تولید، رفاه و موتور رشد اقتصادی در جوامع دانش محور و به‌سوی توسعه شناخته شده است (۹۶: ۲۰۰۰، Burke، "Social History of Knowledge: from Gutenberg to Diderot"). امروزه نقش علم و دانش در اقتصاد و تولید ثروت پررنگ‌تر گشته و یکی از عناصر مهم در پیشرفت اقتصادی به‌شمار می‌آید که در بند ۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نیز بر آن تأکید شده است: پیش‌تازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه. (سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، پایگاه اطلاع‌رسانی قوانین و مقررات کشور، کدخبر: ۴۳۵۸)

تعاریف مختلف و البته نزدیک به هم در مورد اقتصاد دانش‌بنیان ارائه گردیده است که به برخی اشاره می‌شود.

اصطلاح اقتصاد دانش‌بنیان (Knowledge Based Economy (KBE)) نخستین بار به وسیله سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (Organization for Economic Corporation & Development) مطرح و چنین تعریف شد:

اقتصاد دانش‌بنیان اقتصادی است که بر اساس تولید، توزیع و کاربرد دانش و اطلاعات شکل گرفته و سرمایه‌گذاری در دانش و صنایع دانش پایه مورد توجه قرار می‌گیرند (معمارنژاد، اقتصاد دانش‌بنیان: الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راهکارها، ۱۳۸۴: ۸۵-۸۶). اقتصادی است که در آن خلق دانش و بهره‌برداری از آن در جهت ایجاد ثروت (و به تبع آن رشد و توسعه اقتصادی) نقش غالب را ایفا می‌کند (منسفیلد و همکاران، ۱۹۹۱ به نقل از بهبودی و همکاران، بررسی اثر اقتصاد دانش‌بنیان بر رشد تولیدات در ایران با استفاده از الگوریتم جستجوی گرانشی و الگوریتم کرم شب‌تاب، ۱۳۹۴: ۶۷).

در قرن ۱۹ و ۲۰ میلادی عامل‌های محسوسی مانند سرمایه فیزیکی، نیروی کار و منابع طبیعی به‌عنوان عوامل تولید و عناصر رشد اقتصادی مدنظر بوده اما در قرن بیست و یکم، افزون بر عامل‌های پیش‌گفته، عامل‌های غیر محسوسی مانند دانش، اطلاعات و ویژگی‌های فرهنگ را به‌عنوان منابع جدید رشد اقتصادی در نظر می‌گیرند.

همچنین در گذشته فناوری و دانش به‌عنوان عوامل برون‌زا نسبت به تولید و رشد اقتصادی در نظر



گرفته می‌شد اما امروزه باور بر این است که عوامل درون‌زا بوده و بر کارایی تمام عوامل و منابع رشد اقتصادی اثر می‌گذارند. (همان)

بر این اساس، امروزه نقش دانش در رسیدن به رشد اقتصادی قابل انکار نیست و اگر کشور در دانش از دشمن سبقت نگیرد و نیازمند دانش وی باشد؛ نمی‌تواند در عرصه اقتصاد قدرتمند و مستقل باشد. از این رو پدید آوردن اقتصاد دانش‌بنیان یکی از سیاست‌های ضروری برای دستیابی به استقلال اقتصادی است.

مقام معظم رهبری در سخنان خود نیز بر اهتمام به اقتصاد دانش‌بنیان تاکید ورزیده‌اند: شرکت‌های دانش‌بنیان و فعالیت‌های اقتصادی دانش‌بنیان خیلی جاده‌ی باز و امیدبخشی است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۱/۶/۲) ما باید مسئله اقتصاد دانش‌بنیان را جدی بگیریم، این شرکت‌های دانش‌بنیان را واقعاً جدی بگیریم. شاید بتوان گفت میلیون‌ها جوان الان در کشور هستند که این‌ها آماده کارند که اگر یک کمکی به این‌ها بشود، می‌توانند واقعاً در این قسمت‌ها پیش بروند و بخش‌های مختلف را [فعال] کنند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان ۱۳۹۵/۶/۳).

امیرمؤمنان علیه السلام هم بر تأثیر دانش و دانشمندان در اقتصاد و آبادانی شهرها اشاره می‌فرماید: «با دانشمندان، فراوان گفتگو کن، و با حکیمان فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها، و برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت» (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۵۷۳).

آن امام در به مواردی اشاره می‌فرماید که می‌توان به نکات مهمی درباره دانش، دانشمندان و وظیفه مسئولین در قبال ایشان دست یافت:

۱. کسانی که مسئولیت دارند و نیازمندند (مثل دولت‌ها و مسئولین) باید به سراغ عالمان بروند نه این‌که عالمان تقاضا کنند تا طرح‌هایشان پذیرفته شود.

۲. استفاده نکردن از عالمان و حرکت بدون نقشه علمی، موجب از بین رفتن انسان‌ها در آزمایشات و سرگردانی عقول می‌گردد.

۳. کسانی که علم را از اهلش نگیرند (و سراغ غیر متخصص بروند) به خود مشغول شده و سردرگم می‌شوند.

۴. عدم مبادرت علم‌آموزی از اهل آن موجب خشکیدن درخت علم و دانش می‌شود و شخص دانشمند بدون این‌که از او به درستی استفاده شده باشد از این دنیا رخت برمی‌بندد (همان: ۱۹۵).



آن امام همام در جای دیگر، به فرمانروا بودن دانش و فرمانبر بودن ثروت تصریح می‌کند: «دانش بهتر از مال است، زیرا علم، نگهبان تو است، و مال را تو باید نگهبان باشی... دانش فرمان‌روا، و مال فرمان‌بر است» (همان: ۶۶۱).

یکی از ویژگی‌های بارز اقتصاد دانش‌بنیان، به‌کارگیری دانش در عالم واقع و استفاده بهینه از آن است که در برخی سخنان آن حضرت نیز به آن اشاره شده است: بی‌ارزش‌ترین دانش، دانشی است که بر سر زبان است، و برترین علم، علمی است که در اعضا و جوارح آشکار است (همان: ۶۴۳). بدان علمی که سودمند نباشد، فایده‌ای نخواهد داشت، و دانشی که سزاوار یادگیری نیست سودی ندارد (همان: ۵۲۱).

حضرت علی علیه السلام در حکمت ۸۱ ارزش انسان را در علم و دانش توصیف کرده و فرموده‌اند: «ارزش هرکس به مقدار دانایی و تخصص اوست» (همان: ۶۴۱) بنابراین، در صورت وجود نابرابری، ارزش انسان نیز خدشه‌دار خواهد شد. ایشان از آن نظر علم و دانایی را والا محسوب می‌کردند که نمود هوش و قابلیت‌های افراد جامعه موجب می‌شود بسترسازی مناسب برای تشریک مساعی فراهم شود و در نهایت این امر ایجاد کارآفرینی، تشکیل سرمایه انسانی و اجتماعی و غیره را که مؤلفه‌های دانش هستند، امکان‌پذیر خواهد کرد. امام علی علیه السلام به خوبی اهمیت وجود علم در انجام امور را تشریح کرده و فرموده‌اند: «... پس هرگاه دانستید عمل کنید و چون به یقین رسیدید، اقدام کنید» (همان).

به نظر نگارنده، دلیل تأکید حضرت علی علیه السلام را می‌توان بدین گونه تبیین کرد که قرارداد علم و دانش در محوریت همه امور، به‌ویژه در بحث اقتصاد، نتایجی همچون افزایش کیفیت تولید، بهره‌وری، کارایی و اثربخشی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین بنا بر مبانی یادشده در جامعه اسلامی، باید فرصت‌ها و امکانات در تمام حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره به‌صورت عادلانه و برابر میان افراد جامعه توزیع شود تا آنان ضمن به‌دست آوردن رفاه اقتصادی، در راستای قرب الهی به پرورش فضائل اخلاقی و کرامات انسانی خود پردازند و در نهایت مسیر حرکت حکومت اسلامی نیز به سمت اهداف تسهیل شود.

۴. الگوی مصرف

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بند هشت آمده است: «مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای



ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید». بند ۱۶ نیز چنین بیان داشته است: «صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضروری و هزینه‌های زاید».

با توجه به بندهای فوق و با مراجعه به سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف، چند نکته در زمینه مصرف حائز اهمیت است: مؤلفه‌های الگوی مصرف، مراعات صرفه‌جویی و مبارزه با اسراف، رعایت قناعت و مقابله با تجمل‌گرایی، مقابله با مصرف‌گرایی، مصرف کالاهای داخلی. در ادامه توضیحاتی در مورد مبارزه با اسراف و تجمل‌گرایی می‌آید.

مؤلفه‌های الگوی مصرف

الگوی مصرف هر جامعه‌ای از سه مؤلفه تشکیل شده است: الف. سطح مصرف کالاها و خدمات؛ ب. ترکیب کالاها و خدمات مصرفی؛ ج. چگونگی کالاها و خدمات مصرفی. منظور از سطح مصرف در سطح خرد و کلان، بخشی از درآمد خانوار یا جامعه است که به آن مخارج مصرفی گفته می‌شود که صرف خرید کالاها و خدمات مصرفی می‌شود. سطح مصرف در جامعه افزون بر این که متأثر از فرهنگ جامعه است، تابعی از سطح درآمد می‌باشد (درآمد جاری یا درآمد دائمی یا هر تعریف دیگری که از درآمد داشته باشیم). البته به‌طور قطعی حداقلی از مصرف می‌تواند مستقل فرض شود چرا که نیازهای اساسی و فیزیولوژی انسان صرف نظر از سطح درآمد، می‌تواند علت پذیرش حداقلی از مصرف شود. در این وضعیت، مصرف‌کننده هر چند با فروش ثروت، مصرف کردن، پس انداز یا قرض گرفتن، حداقلی از مصرف را برای رفع نیازهای فیزیولوژی حیاتی خود می‌پذیرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳: ۱۲).

ترکیب کالاهای مصرفی به‌صورت مؤلفه دوم الگوی مصرف مطرح است. منظور از آن، این است که وزن هر یک از کالاها و خدمات در سبد مصرفی خانوار و حتی بنگاه‌ها و دولت‌ها چه اندازه است؟ به‌طور قطع برخی از کالاها سهم بیش‌تری دارند و برخی سهمی کمتر. در حقیقت بین انواع کالاها و خدمات بر سر ربودن بخشی از درآمد قابل تصرف، رقابت است. این که سهم هر یک چه مقدار است به دو عامل اساسی بستگی دارد:

الف. قیمت‌های نسبی؛ ب. ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی.

در تأثیر قیمت‌های نسبی هیچ‌شکی نیست زیرا قیمت هر کالا، هزینه‌ای است که مصرف‌کننده



می‌پردازد و این هزینه، مطلوبیتی است که مصرف‌کننده از دست می‌دهد و در برابر، با به دست آوردن و مصرف کالا مطلوبیتی به دست می‌آورد. مصرف‌کننده با مقایسه مطلوبیت به دست آمده و آن چه از دست می‌دهد در مقایسه با آن کالاهای دیگر، ترکیبی از کالاها و خدمات را انتخاب می‌کند که مطلوبیتی را حداکثر می‌کند و این چیزی است که در نظریه مصرف، بر مبنای مطلوبیت مطرح می‌شود. (حسنی، ۱۳۹۵: ۴۲)

در این نظریه و در نظریه‌های دیگر که در صدد تبیین رفتار مصرف‌کننده در سطح خرد هستند، قیمت‌های نسبی کالاها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. افزون بر قیمت‌های نسبی، نوع فرهنگ و ارزش‌های اساسی و هنجارهای پذیرفته شده جامعه نیز در تعیین سطح مصرف هر یک از محصولات نقشی تعیین‌کننده دارد. در برخی از جوامع، نوع خاصی از مصرف سفارش شده و در برخی ممکن است همان مصرف ممنوع یا مکروه باشد. مصارف واجب، مصارف مستحب، مصارف مکروه، مصارف ممنوع و مصارف مباح به طور مشخص بر ترکیب کالاهای مصرفی جامعه اسلامی با جامعه غیر اسلامی تأثیر دارد. همان‌طور که میزان مصرف گوشت گاو در هندوستان در میان کسانی که آن را مقدس می‌دانند ممنوع و نزدیک صفر است. در جامعه اسلامی نیز میزان مصرف مشروبات الکلی و گوشت حیوانات نجس‌العین، ممنوع و نزدیک صفر است. در حقیقت تفاوت در ترکیب کالاهای مصرفی در جوامع گوناگون می‌تواند تفاوت‌های فرهنگی آن‌ها را به نمایش بگذارد. (سلطانی رنانی، ۱۳۸۴: ۹۲)

در سطح کلان نیز فرهنگ نقش تعیین‌کننده‌ای بر میزان مصرف جامعه دارد که می‌توان آن را در ابعاد زیر مطرح نمود:

الف. متأثر شدن مصرف خانوارها از فرهنگ، اثر خود را بر مصرف در سطح کلان خواهد گذاشت؛ زیرا مصرف خصوصی در سطح کلان، از مصرف در سطح خرد تشکیل می‌شود. این بخش از تأثیر فرهنگ به طور عمده مربوط به بعد اخلاقی فرهنگ است که به طور مستقیم ممکن است به وسیله دولت‌ها کنترل نشود، اما در جامعه به لحاظ اخلاقی و به تبعیت از ارزش‌های اساسی خود، آن را رعایت کند.

ب. لزوم هدایت، کنترل، مدیریت و اعمال هنجارهای پذیرفته شده جامعه برای رعایت مصرف متناسب با آن، که به طور معمول به صورت وظایف دولت‌ها تعریف می‌شود و سرچشمه فرهنگی دارد. اعمال این مقررات چون سرچشمه فرهنگی دارد و از ارزش‌های اساسی جامعه گرفته شده، اثرپذیری

الگوی مصرف را در سطح کلان روشن می‌سازد.

مؤلفه سوم الگوی مصرف، که آن را «چگونگی مصرف» نام‌گذاری کردیم، ارتباط بسیار نزدیکی با مفهوم «سبک زندگی» دارد که امروزه در علوم اجتماعی مطرح شده است. چگونگی مصرف کالا، خدمات و محصولات تولیدی به‌طور کامل متأثر از سبک و شیوه زندگی است که امروزه به لحاظ تغییر ذائقه‌ها، فرهنگ‌ها و هنجارهای جامعه به‌ویژه با گسترش ارتباطات و جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، مصداق‌های بارزی پیدا کرده است. این بخش از مصرف، به‌طور کامل جنبه فرهنگی دارد و می‌توان آن را پدیده‌ای فرهنگی دانست.

افزون بر ارتباط خاص هر یک از مؤلفه‌های پیش‌گفته با فرهنگ جامعه، می‌توان در سطح کلان نیز استدلال کرد که الگوی مصرف جامعه به‌طور کامل ریشه فرهنگی دارد و برای هر گونه سیاست‌گذاری و تغییر آن نیازمند تغییر فرهنگ هستیم. بر این اساس می‌توان گفت:

الگوی مصرف هر جامعه‌ای بخشی از فعالیت‌های اقتصادی آن جامعه شمرده می‌شود. فعالیت‌های اقتصادی و ارزش‌های فرهنگی در جایگاه دو زیر بخش از بخش‌های جامعه مطرح هستند. در حقیقت فرهنگ و اقتصاد دارای خاستگاهی یگانه یعنی جامعه هستند. جامعه نوعی نظام اجتماعی شمرده می‌شود و نظام نیز متشکل از عنصرهای مرتبط با مناسبت‌های اجتماعی متقابل معطوف به هدف واحد است. مناسبت‌های اجتماعی اموری تکوینی و قطعی نیستند و در حقیقت عدم قطعیت، رابطه‌ای حاکم میان عنصرهای آن‌ها است، زیرا مناسبت‌های اجتماعی افراد جامعه، متأثر از اختیار و اراده آن‌ها است. همین اختیار و عدم حاکمیت جبر بر مناسبت‌های اجتماعی باعث می‌شود تا این مناسبت‌ها از قطعیت و جزمیت مناسبت‌های طبیعی و فیزیکی برخوردار نباشند. در حقیقت، علت به وجود اراده انسان برمی‌گردد و اراده انسان خود یکی از عامل‌های رفتار انسان‌ها است. به همین علت، رفتار انسان همیشه قابل پیش‌بینی نیست و انسان می‌تواند در واکنش به پدیده‌ای مشخص واکنش‌های متفاوت داشته باشد. امکان واکنش‌های متفاوت به معنای وجود کثرت و گزینه‌های متفاوت است که در پیش روی انسان قرار دارد، وقتی با گزینه‌های متفاوت روبرو هستیم پدیده‌ای به نام انتخاب معنا پیدا می‌کند. بنابراین مناسبت‌های انسانی ماهیتی انتخابی دارند. وقتی مسئله انتخاب پیش می‌آید، ناچار نیازمند ملاک و معیار هستیم و این امر به وسیله نظام ترجیحی افراد صورت می‌گیرد. هر چه به عنوان معیار و ملاک به کار رود، حامل ارزش است و هر چه حامل ارزش باشد مقوله‌ای فرهنگی است. در حقیقت ارزش‌ها (به‌ویژه ارزش‌های اساسی جامعه) خمیرمایه فرهنگ را تشکیل می‌دهند، بنابراین تمام



رفتارهای پایدار اجتماعی ماهیتی فرهنگی دارند.

الگوی مصرف جامعه چنان‌که گفته شد از جمله رفتارهای اقتصادی پایدار جامعه هستند و تمام ویژگی‌های رفتار اجتماعی پایدار را دارد. بنابراین، ریشه آن‌ها به‌طور کامل فرهنگی است. در حقیقت الگوی مصرف جامعه نتیجه فرهنگ مصرفی آن است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۱).
به‌نظر نگارنده، الگوی مصرف جامعه ارتباط نزدیک با ارزش‌های اساسی و هنجارهای پذیرفته شده آن دارد. این هنجارهای پذیرفته‌شده از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت دارد. در جامعه ما که جامعه دینی است قاعدتاً باید بپذیریم که کوشش باید به سمت رعایت هنجارهای دینی در حوزه مصرف باشد که گاهی به وسیله جامعه پذیرفته شده و به فرهنگ تبدیل شده‌اند و گاهی، باور یا التزام آن‌ها کم بوده، باید به نهادینه‌سازی آن‌ها پرداخت.

مراعات صرفه‌جویی و مبارزه با اسراف

مقام معظم رهبری در مورد اسراف می‌فرماید: «این قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است. خب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی هم لازم است، اقدام عملی هم لازم است. . . این قدر در اسلام اسراف منع شده، و ما متأسفانه در زندگی مان اهل اسرافیم! بخش عملیاتی آن هم به نظر من از خود دولت باید آغاز شود» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیات دولت ۱۳۹۱/۶/۲).

الگوی مصرف در جهت تحقق استقلال اقتصادی باید دو تغییر عمده در آن رخ دهد: ۱. اسراف و تبذیر که در اسلام به شدت نهی شده از الگوی مصرف حذف شود؛ ۲. فرهنگ مصرف از کالای خارجی به کالای داخلی تغییر کند.

این دو تغییر باعث می‌شود مصرف کل کاهش یافته و نیاز به خارج به حداقل برسد. به این ترتیب مدیریت تغییر الگوی مصرف جامعه در جهت حذف اسراف و تبذیر و افزایش مصرف کالاهای داخلی از سیاست‌های ضروری در جهت استقلال اقتصادی است.

اصل اندازه‌داری و مصرف متعال از مهم‌ترین تعالیم علوی در مسیر تحقق عدالت و امنیت محسوب می‌گردد. حضرت در این باره فرموده است: «لن یهلك من اقتصد» آن که به حد میانه بسنده کند، هرگز هلاک نگردد. (آمدی، ۱۳۹۱: ۵۵۵). امام علی (علیه السلام) نشانه‌های اسراف‌کننده را سه چیز بیان می‌کند: به مقداری که حق ندارد بخورد، می‌خورد؛ به مقداری که حق ندارد بپوشد، می‌پوشد؛ و به



مقداری که حق ندارد بخرد، می‌خرد. (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۵۱۹-۵۳۹). بر اساس تعالیم والای علوی، انسان حتی در مصرف شخصی اموال خویش باید به جامعه و نیازهای آن توجه داشته باشد و بداند که مصرف افزون از حد، در حقیقت اسراف در حق اجتماع است نه فقط اسراف در اموال شخصی. (سلطانی رنانی، ۱۳۸۴: ۳۷)

در دیدگاه آن حضرت، آن قدر صرفه‌جویی مخصوصاً در امور بیت‌المال اهمیت دارد که ایشان نسبت به موارد جزئی همچون مصرف قلم و کاغذ نیز حساسیت نشان می‌دهند: «نوک قلم‌ها را باریک بتراشید و فاصله سطرها را کم کنید و از زیاده‌روی در هزینه نمودن بیت‌المال پرهیزید زیرا اموال مسلمانان نباید متحمل ضرر شود» (صدوق، الخصال، ۱۳۶۲: ۱، ۳۱۰).

نیز می‌فرماید: «بخشنده باش اما زیاده‌روی نکن، در زندگی حساب‌گر باش اما سخت‌گیر مباش» (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۶۳۱). «ای زیاد بن ابیه! از اسراف پرهیز، و میانه‌روی را برگزین، از امروز به فکر فردا باش» (همان: ۵۰۱).

از دیدگاه آن حضرت، ثروتمند بودن مجوز اسراف نیست، لذا در اوصاف متقین می‌فرماید: «در عین توان‌گری میانه‌رو هستند» (همان: ۴۰۵). از سوی دیگر، امیرمؤمنان علیه السلام ثروت ثروت‌مندان را مسئولیتی برای ایشان می‌داند که باید با مهمانی‌دادن به دیگر افراد، انفاق به محرومین، آزاد نمودن اسیران و کمک به بدهکاران از عهده آن برآیند (همان: ۵۶۳). در نهایت، پیامد صرفه‌جویی، بی‌نیازی خواهد بود: «آن که میانه‌روی کند تهیدست نخواهد شد» (همان: ۶۵۹).

۵. مبارزه با مفاسد اقتصادی

فساد اقتصادی نقض قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی است. از فساد اغلب به‌عنوان یک بیماری شدید نام برده می‌شود. بیماری مانند سرطان که به‌طور بی‌رحمانه از سازمان به سازمانی دیگر و از نهادی به نهاد دیگر سرایت می‌کند. به‌طوری که تمام نهادهای موجود را تحلیل برده تا به فروپاشی نظام سیاسی حاکم بیانجامد. رواج فساد مالی به درستی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موانع در راه پیشرفت موفقیت‌آمیز اقتصادی، به‌طور مثال در کشورهای آسیایی و آفریقایی شمرده شده است. فساد اقتصادی از جنبه‌های مختلف برای یک کشور مضر است. فساد مالی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به‌سوی رانت‌ها و فعالیت‌های زیرزمینی سوق می‌دهد. نیز باعث پرورش سازمان‌های وحشتناکی مانند مافیا می‌شود (میرمعزی، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تاکید بر



دیدگاه مقام معظم رهبری، (۱۳۹۱: ۶۷).

از دیدگاه رهبر انقلاب موارد زیر از پیامدهای فساد اقتصادی به‌شمار می‌آید: «اولین ضرر [فساد] این است که بیت‌المال خالی می‌شود و پول مردم به جیب یک شخص طماع و حریص و خودخواه و زیاده‌طلب می‌رود. ضرر دوم این است: کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند، کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند؛ وقتی دیدند از راه‌های نامشروع می‌شود این همه ثروت به‌دست آورد، آنها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع کنند. ضرر سوم این است که آدم فاسد وقتی بخواهد از بیت‌المال مسلمانان استفاده کند، به‌طور مستقیم که او را راه نمی‌دهند؛ مجبور است به مدیران و مسؤولان و هر کسی که سر راه او قرار دارد، رشوه بدهد. هر کسی هم نمی‌تواند در مقابل رشوه مقاومت کند؛ بنابراین عده‌ای را فاسد می‌کند؛ مدیران را فاسد می‌کند، مأموران را فاسد می‌کند، مأمور بانک را فاسد می‌کند، مأمور فلان وزارتخانه را فاسد می‌کند. ضرر چهارم این است که وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «امرنا مترفیها ففسقوا فیها». وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدمه ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادها می‌باشد. ضرر پنجم این‌که وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می‌شوند. دشمن خارجی از آدم‌های فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹).

یأس و عصبانیت مردم را نیز می‌توان به موارد فوق اضافه نمود (ضرر ششم): وقتی رانت‌خواری رواج داشته باشد، ... کسی که تولیدکننده و زحمت‌کش واقعی است، ناامید می‌شود. کشاورزی که زحمت می‌کشد، صنعت‌کاری که تولید می‌کند، سرمایه‌داری که سرمایه‌گذاری می‌کند، معدن‌کاری که عرق می‌ریزد، معلمی که در مدرسه درس می‌گوید، استادی که در دانشگاه تدریس می‌کند، قاضی که وقت و اعصاب خود را به کار صحیح صرف می‌کند، وقتی بینند راه برای مناسبات غلط اقتصادی در جامعه باز است و با آن برخورد نمی‌شود، مأیوس می‌شوند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم استان همدان ۱۳۸۳/۴/۱۵) مردم حرفشان آن‌جاست که ما در زمینه برخورد با متخلف کوتاهی کنیم، در دنبال‌گیری از عدالت کوتاهی کنیم؛ مردم این‌ها را نمی‌پسندند، مردم از این چیزها عصبانی می‌شوند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۰).



امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، عوامل به وجود آمدن فساد در جامعه را شناسایی و با راهکارهایی به دنبال اصلاح آن‌ها و از بین بردن فساد در جامعه بود. اولین و مهم‌ترین عامل فساد از دیدگاه امام علی علیه السلام، حاکمان و صاحب‌منصبان حکومتی نالایق، ستمگر و فاسد می‌باشد. آن حضرت می‌فرماید: «اندوهناکم که بی‌خردان و تبه‌کاران این امت، امور آنان را به دست گیرند و مال خدا را (بین خود) دست‌به‌دست بگردانند و بندگان او را (محروم و) برده خود کنند.» (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۶۰۱)

امام علی علیه السلام در بخشی از خطبه ۱۳۱، نهج البلاغه می‌فرماید: «... همانا دانستید که سزاوار نیست بخیل بر جان و مال و ناموس و احکام مسلمانان ولایت و رهبری داشته و امامت مسلمین را عهده دار شود تا در اموال آنان حریص گردد. نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مردم را به گمراهی کشاند و ستم‌کار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد که با ستم حق مردم را غصب و عطاهای آنان را قطع کند. کسی که در تقسیم بیت‌المال عدالت ندارد، زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروه دیگری مقدم می‌دارد، و رشوه‌خوار در قضاوت نمی‌تواند امام باشد، زیرا که برای داوری با رشوه‌گرفتن، حقوق مردم را پایمال می‌گرداند و حق را به صاحبان آن نمی‌رساند و آن کس که سنت پیامبر را ضایع می‌کند، لیاقت رهبری ندارد زیرا که امت اسلامی را به هلاکت می‌کشاند.» (همان: ۲۴۹)

امام علی علیه السلام وجود مفاسدی از قبیل بخل و حسد، حرص و طمع، غصب اموال مردم، بی‌عدالتی در تقسیم بیت‌المال، حیف و میل اموال و ثروت جامعه، تبعیض طبقاتی، رشوه‌خواری و پایمال کردن حقوق مردم را ناشی از حاکمان و صاحب‌منصبان نالایق، جاهل و ستمکار می‌داند.

به نظر نگارنده، فساد مالی ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است که شناخت فراگیر این عوامل، شرط لازم برای طراحی نظام‌های کنترلی است. تصور در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین توجه به سیره حضرت علیه السلام نکات مهمی را مشخص می‌نماید که می‌تواند در نظام‌سازی موثر باشد. هم‌اکنون یکی از نیازهای اساسی نظام اسلامی شناخت مصادیق مفاسد اقتصادی و ارائه راهکارهای نظارتی کاهش آن می‌باشد که این راهکارها گاهی در مقام پیش‌گیری از فساد مالی است و گاهی در مقام مقابله با فساد مطرح می‌شود.

۶. پیش‌گیری از فساد

پیش‌گیری از فساد همواره یکی از تأکیدات مقام معظم رهبری بوده است: «در مبارزه با فساد، در



درجه اول، مسئله پیش‌گیری است؛ اما اگر در پیش‌گیری کوتاهی شد، به یک نحوی یک فساد واقع شد، در مان، دنبال‌گیری است؛ این نباید مورد غفلت قرار بگیرد». (بیانات مقام معظم رهبری، ۲۰/۷/۱۳۹۰) خود مسئولان دولتی، خود وزرا و خود مدیران ارشد مسئولند. نگذارند در مجموعه‌های آن‌ها فساد به وجود آید. اگر آن‌ها بخواهند مبارزه کنند و اگر این مبارزه را جدی بگیرند، بهتر از هر کس خواهند توانست مبارزه کنند. البته باید حواس آنها جمع باشد که دامن‌های خود را پاکیزه نگه‌دارند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۳۰/۷/۱۳۸۱).

نیل به این هدف، نیازمند به‌کارگیری اقدامات زیر است:

۱. انتصاب مسئولان متعهد

دقت در انتصاب مسئولان باتقوا، مهذب و متعهد از بسیاری مفاصد اقتصادی و غیر اقتصادی جلوگیری می‌نماید. لذا امیر مؤمنان علیه السلام نسبت به این مورد حساسیت نشان داده و در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید:

کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوی، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرمی‌تر، و آبرویشان محفوظ‌تر، و طمع و روزی‌شان کمتر، و آینده‌نگری آنان بیشتر است. سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند، و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۵۷۹). از این اندوهناکم که بی‌خردان، و تبه‌کاران این امت، حکومت را به‌دست آورند، آن‌گاه مال خدا را دست‌به‌دست بگردانند، و بندگان او را به بردگی کشند، با نیکوکاران در جنگ، و با فاسقان همراه باشند (همان: ۶۰۱).

با دقت در فرمایش فوق، روشن می‌گردد تأکید حضرت بر تعهد، تقوا و پاکدامنی مسئولان، بیش از تخصص و تجربه است و جالب این‌که همین مسئولان متعهد و باتقوا می‌بایست از لحاظ دستمزد کاملاً تأمین گردند تا در اموال مردم خیانت نورزند.

۱. برخورد قاطع با زمینه سازان فساد

طبیعی است اگر مسئولان حکومتی با پیشنهادهای رشوه و رانت برخورد جدی نمایند، احتمال وقوع در فساد و آسوده‌خاطری پیشنهاددهنده بیش‌تر خواهد بود. از این‌رو سیره حضرت نشان می‌دهد



که از همان ابتدای چنین پیشنهاداتی، جلوی آن را می‌گرفتند. اشعث بن قیس - که از سردمداران منافقان و از دشمنان سرسخت حضرت علی علیه السلام بود - به خیال اینکه با دادن چشم روشنی، تحت عنوان هدیه، می‌تواند به علی علیه السلام نزدیک شود، حلوی را، شب هنگام، به درب منزل علی علیه السلام می‌رساند. حضرت از او می‌پرسد: «آیا بخشش است یا زکات و یا صدقه؟ زکات و صدقه، بر ما اهل بیت، حرام است.» او، در پاسخ می‌گوید: «هدیه است.» علی علیه السلام در پاسخ می‌گوید:

زنان بچه مرده بر تو بگریند، آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفربی؟ یا عقلت آشفته شده یا جن زده شدی؟ یا هذیان می‌گویی؟ به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد! و همانا این دنیای آلوده شما نزد من از برگ جویده شده ملخ پست تر است! (شریف رضی، ۱۳۷۹: ۴۶۱).

۲. نظارت دقیق و جامع

عامل سوم در پیش‌گیری از فساد، وجود نظارتی دقیق و همه‌جانبه بر کارگزاران و جامعه است. این نظارت می‌باید در سطوح مختلف زیر صورت پذیرد:

الف. نظارت ویژه در امور محرومین: امام علی علیه السلام درباره لزوم نظارت بر امور محرومان، به مالک اشتر می‌فرماید: «همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی بر مگردان، به ویژه امور کسانی را از آنان بیش‌تر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلاتشان به گونه‌ای عمل کن که در پیش‌گاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند» (همان: ۵۸۳).

ب. ارتباط مستقیم با مردم: امیرالمؤمنین علیه السلام ارتباط بدون واسطه با مردم را امری ضروری می‌شمارد که قطعاً عاملی مهم در باخبر شدن از اوضاع و نظارت بر امور است و به مالک اشتر می‌فرماید: «بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند» (همان).



ج. پنهان نشدن از مردم: پنهان بودن مسئولان باعث می‌گردد که ایشان از مشکلات مردم غافل شوند، آمارهای غیرواقعی زیردستان خود را باور نمایند و میزانی برای تشخیص حق از باطل در دست نداشته باشند. امام علی (علیه السلام) در این باره به مالک اشتر می‌فرماید: «هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران، نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. پنهان شدن از رعیت، زمام‌داران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است باز می‌دارد، پس کار بزرگ، اندک، و کار اندک بزرگ جلوه می‌کند، زیبا زشت، و زشت زیبا می‌نماید، و باطل به لباس حق درآید. همانا زمام‌دار، آنچه را که مردم از او پوشیده دارند؛ نمی‌داند، و حق را نیز نشانه‌ای نباشد تا با آن راست از دروغ شناخته شود» (همان).

د. نظارت غیر محسوس: نیروهای پنهان و نظارت غیر محسوس، لازمه یک نظارت دقیق است، از اینرو علی (علیه السلام) درباره این مسئله و ویژگی‌های جاسوسان چنین توصیه می‌نماید: سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفایسته بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود. و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن (همان).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



جدول: بیان مهم‌ترین عناصر اقتصاد مقاومتی و راهکارهای حاصل از آن

ردیف	مضمون فشرده	مضمون	شاهد	نام سند	فراوانی
۱	تلاش فراوان	تلاش به هنگام	فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ اصْطَنَعَ عِنْدَنَا وَ عِنْدَكُمْ أَنْ نَشْكُرَهُ بِجُهْدِنَا وَأَنْ نَنْصُرَهُ بِمَا بَلَغَتْ قُوَّتُنَا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ	شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۲۵	۳
		تلاش به هنگام	لَا تَجْعَلُوا عِلْمَكُمْ جَهْلًا، وَ يَقِينَكُمْ شَكًّا؛ إِذَا عَلِمْتُمْ فَأَعْمَلُوا، وَإِذَا تَيَقَّنْتُمْ فَأَقْدِمُوا	همان: ۵۲۴	۴
		سستی نورزیدن	مَنْ قَصَرَ فِي الْعَمَلِ ابْتُلِيَ بِالْهَمِّ، وَلَا حَاجَةَ لِلَّهِ فِيمَنْ لَيْسَ لِلَّهِ فِي مَالِهِ وَنَفْسِهِ نَصِيبٌ.	همان: ۴۹۱؛ ۷۶۷: ۸۵۲	۶
۲	کار برای خدا	امید رسیدن به هدف	و قَالَ ﷺ: مَنْ طَلَبَ شَيْئًا، نَالَهُ أَوْ بَعْضُهُ.	همان: ۵۴۴	۱
		ضرورت جهت دادن به فعالیتها	كَانُوا قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ لَيْسُوا مِنْ أَهْلِهَا، فَكَانُوا فِيهَا كَمَنْ لَيْسَ مِنْهَا؛ عَمِلُوا فِيهَا بِمَا يَبْصُرُونَ وَ بَادَرُوا فِيهَا مَا يَحْذَرُونَ؛ تَقَلَّبَ أَبْدَانُهُمْ بَيْنَ ظَهْرَانِي أَهْلِ الْآخِرَةِ وَ يَرُونَ أَهْلَ الدُّنْيَا يَعْظُمُونَ مَوْتَ أَجْسَادِهِمْ ...	همان: ۳۵۲	۱
		سعه صدر	ثُمَّ احْتَمَلَ الْخُرْقَ مِنْهُمْ وَالْعِي، وَنَحَّ عَنْهُمْ الضَّيْقَ وَالْأَنْفَ يَنْسُطُ اللَّهُ عَلَيْكَ بِذَلِكَ أَكْنَافَ رَحْمَتِهِ، وَيُوجِبُ لَكَ ثَوَابَ طَاعَتِهِ. وَأَعْطَى مَا أَعْطَيْتَ هَنِيئًا، وَأَمْنَعُ فِي إِجْمَالٍ وَإِعْدَارٍ.	همان: ۴۳۹	۱
۱		پرهیز از	وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي	همان: ۴۲۹	۱



ردیف	مضمون فشرده	مضمون	شاهد	نام سند	فراوانی
		تکبر و خودپسندی	الْحَقُّ، وَأَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِرِضَى الرَّعِيَةِ، فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يَجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ، وَإِنَّ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يَغْتَفَّرُ مَعَ رِضَى الْعَامَّةِ . . .		
		پرهیز از مت‌گذاری، بزرگ شمردن کار و خلف وعده	أَوْ التَّزِيدَ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ، أَوْ أَنْ تَعْدَهُمْ فَتَتَّبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ، فَإِنَّ الْمَنْ يَبْطُلُ الْأِحْسَانَ،	همان: ۴۴۴	۱
۳	اقتصاد دانش‌بنیان		إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حُمِّلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ، الْإِبْلَاحُ فِي الْمَوْعِظَةِ وَالْاجْتِهَادُ فِي النَّصِيحَةِ وَالْإِحْيَاءُ لِلسُّنَّةِ وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى مُسْتَحَقِّيهَا . . .	همان: ۱۵۲	۱
۴	الگوی مصرف	مؤلفه‌های الگوی مصرف	يَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَيُعْطِي مَنْ حَرَمَهُ وَ يَصِلُ مَنْ قَطَعَهُ؛ بَعِيداً فُحْشُهُ، لَبِناً قَوْلُهُ، غَائِباً مُنْكَرُهُ، حَاضِراً مَعْرُوفُهُ، مُقْبِلاً خَيْرُهُ، مُدْبِراً شَرُّهُ؛ فِي الرِّزَالِزِ وَقُورٍ وَ فِي الْمَكَارِهِ صَبُورٍ وَ فِي الرَّخَاءِ شُكُورٍ . . .	همان: ۳۰۵	۴
		مراعات صرفه‌جویی و مبارزه با اسراف	وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَبْطَأَ بِهِ عَمَلُهُ، لَمْ يَسْرِعْ بِهِ [حَسْبُهُ] نَسْبُهُ.	همان: ۴۷۲	۴
۵	مبارزه با فساد اقتصادی		اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمْتَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِتّاً مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَاسِ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ، وَ لَكِنْ لِيَتَرَدَّ الْمَعَالِمُ	همان: ۱۸۹	۱۲



ردیف	مضمون فشرده	مضمون	شاهد	نام سند	فراوانی
			مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فِيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ		
۶	پیش گیری از فساد		وَ مِنْهُ: إِنِّي وَ اللَّهُ لَوَ لَقَيْتُهُمْ وَاحِدًا وَ هُمْ طِلَاعُ الْأَرْضِ كُلِّهَا مَا بَالَيْتُ وَ لَا اسْتَوْحَشْتُ؛ وَ إِنِّي مِنْ ضَلَالِهِمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ وَ الْهُدَى الَّذِي أَنَا عَلَيْهِ لَعَلِّي بَصِيرَةٌ مِنْ نَفْسِي وَ يَقِينُ مِنْ رَبِّي، وَ إِنِّي إِلَى لِقَاءِ اللَّهِ لَمُسْتَأَقٌّ	همان: ۴۵۲	۳

نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شد با تطبیق برخی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و بیانات مقام معظم رهبری پیرامون دستیابی به استقلال اقتصادی با فرمایشات و سیره امیرمؤمنان علی علیه السلام، به اهمیت این سیاست‌ها و برخی راهکارهای اجرایی آن‌ها دست یابیم که در چند بند خلاصه می‌گردد:

۱. حمایت از تولید، یکی از موارد مهم در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به‌شمار می‌آید که بهبود فضای کسب و کار می‌تواند یکی از راهبردهای آن محسوب گردد. دقت در سیره علی علیه السلام به راهکارهایی همچون بازار همگانی، قانون سبقت، اجرت نگرفتن و تخصیصی بودن بازارها رهنمون می‌سازد.
۲. اقتصاد مبتنی بر دانش یکی از راه‌های پیشرفت اقتصادی در کشور محسوب می‌گردد که در سخنان امیرمؤمنان علیه السلام نیز به این مسئله اشاره‌هایی صورت گرفته است.
۳. الگوی مصرف از جمله رفتارهای پایدار جامعه است و رفتارهای پایدار نیز ریشه‌های فرهنگی دارد و تغییر اساسی آن‌ها نیز بدون تغییر فرهنگ ممکن نیست و در اصلاح الگوی مصرف موارد متعددی باید رعایت گردد که در این پژوهش دو مورد مبارزه با اسراف و تجمل‌گرایی ارائه گردید.



از پیامدهای مخرب آن دو به نیازمندی و از پیامدهای مثبت مقابله با آن دو می‌توان به آسایش اشاره نمود.

۴. اجرای اقتصاد مقاومتی بدون مبارزه با مفسد اقتصادی امکان ندارد، لذا برای آن باید هم در بخش پیش‌گیری (با انتصاب مسؤولان متعهد و نظارت دقیق و جامع) و هم در بخش مبارزه با جدیت سرمایه‌گذاری نمود.

۵. به نظر نگارنده، فساد مالی ناشی از عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی است که شناخت فراگیر این عوامل، شرط لازم برای طراحی نظام‌های کنترلی است. تطور در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) و همچنین توجه به سیره آن حضرت نکات مهمی را مشخص می‌نماید که می‌تواند در نظام‌سازی موثر باشد. هم‌اکنون یکی از نیازهای اساسی نظام اسلامی شناخت مصادیق مفسد اقتصادی و ارائه راهکارهای نظارتی کاهش آن می‌باشد که این راهکارها گاهی در مقام پیش‌گیری از فساد مالی است و گاهی در مقام مقابله با فساد مطرح می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و گروهی از اساتید جامعه المصطفی، قم: انتشارات المصطفی، ۱۳۸۸ش.
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ش.
۳. آزدی، عبدالله بن محمد، کتاب الماء، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۷ش.
۴. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمدعلی انصاری، قم: مؤسسه دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۳۹۱ش.
۵. بهبودی، داود؛ میرانی، نینا و محرم جودی، نازیلا، «بررسی اثر اقتصاد دانش بنیان بر رشد تولیدات در ایران با استفاده از الگوریتم جستجوی گرانشی و الگوریتم کرم شب تاب»، سیاستگذاری پیشرفت اقتصادی، شماره ۸، ۶۵ تا ۹۳، ۱۳۹۴ش.
۶. جمعی از نویسندگان، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: سمت، چاپ هشتم، ۱۳۹۳ش.
۷. حسنی، احمد، نظام مالی نوین اسلامی، قم: میراث انبیاء، ۱۳۹۵ش.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت/دمشق: دارالقلم، دارالشمیة، ۱۴۱۲ق.
۹. سلطانی رنانی، سیدمهدی، موانع اقتصادی عدالت و امنیت از منظر امام علی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
۱۰. سیف، ولی الله، «فضای کسب و کار»، تازه‌های اقتصاد، شماره ۱۳۲، ۵۹-۶۳، ۱۳۹۰ش.
۱۱. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور، ۱۳۷۹ش.
۱۲. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، محقق: صبحی صالح، مصحح: فیض الإسلام، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۳. صاحب بن عباد، اسماعیل، المحيط فی اللغة، بیروت: عالم الكتاب، ۱۴۱۴ق.
۱۴. صادقی، مسعود، آذربایجانی، کریم، «نقش و جایگاه اقتصاد دانش محور در تقاضای نیروی کار»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۷، ۱۳۸۵ش.
۱۵. صدوق، محمد بن علی، الخصال، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۲ش.



۱۶. فراهیدی، خلیل بن أحمد، کتاب العین، هجرت، قم: چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۱۸. معمارنژاد، عباس، «اقتصاد دانش بنیان: الزامات، نماگرها، موقعیت ایران، چالش‌ها و راهکارها»، مجله اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۱، ۸۳-۱۰۹، ۱۳۸۴.
۱۹. مهدی‌زاده، حسین، اصلاح الگوی مصرف، تهران: سروش هدایت، ۱۳۸۸ش.
۲۰. مهرداد، ندا، حق دوست اسکویی، سیده فاطمه و سید فاطمی، نعیمه، تحلیل محتوای کیفی، بشری مرکز نشر علوم پزشکی تهران: چاپ دوم، ۱۳۹۵ش.
۲۱. میرمعزی، سید حسین، «اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)» فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۷، ۴۹-۷۶، ۱۳۹۱.
۲۲. نیل فروشان، هادی، بررسی ماهیت اقتصاد دانش محور و ضرورت و امکان پذیری حرکت ایران از اقتصاد تولید محور به اقتصاد دانش محور، فردوسی مشهد، کارشناسی ارشد اقتصاد، ۱۳۸۴ش.
۲۳. سایت مقام معظم رهبری، بخش بیانات (سایت leader.ir).
۲۴. خبرگزاری تسنیم، «سرانه مصرف آب هر ایرانی»، ۱۳۹۳/۱۰/۱.
۲۵. Burke, P.A, Social History of Knowledge: from Gutenberg to Diderot, Cambridge. (۲۰۰۰).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی